

چهارشنبه 13 اردیبهشت 10 جمادی الثاني 2 می

استقرار پرتغالی ها در هرمز و آغاز فصل تازه ای در تاریخ خاورمیانه؛ دوران سلطه و استثمار ...



فریدالدین ابو حامد محمد بن ابوبکر ابراهیم بن اسحاق عطار نیشابوری،

یکی از شعرا و عارفان نام آور ایران در اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم هجری قمری است. بنا بر آنچه که تاریخ نویسان گفته اند بعضی از آنها سال ولادت او را 513 و بعضی سال ولادتش را 537 هجری ق، می دانند. او در قریه کدکن یا شادیاخ که در آن زمان از توابع شهر نیشابور بوده به دنیا آمد. از دوران کودکی او اطلاعی در دست نیست جز اینکه پدرش در شهر شادیاخ به شغل عطاری که همان دارو فروشی بود مشغول بوده که بسیار هم در این کار ماهر بود و بعد از وفات پدر، فریدالدین کار پدر را ادامه می دهد و به شغل عطاری مشغول می شود. او در این هنگام نیز طبابت می کرده و اطلاعی در دست نمی باشد که نزد چه کسی طبابت را فرا گرفته، او به شغل عطاری و طبابت مشغول بوده تا زمانی که آن انقلاب روحی در وی به وجود آمد و در این مورد داستانهایی مختلفی بیان شده که معروفترین آن این است که:

"روزی عطار در دکان خود مشغول به معامله بود که درویشی به آنجا رسید و چند بار با گفتن جمله چیزی برای خدا بدهید از عطار کمک خواست ولی او به درویش چیزی نداد. درویش به او گفت: ای خواجه تو چگونه می خواهی از دنیا بروی؟ عطار گفت: همانگونه که تو از دنیا می روی. درویش گفت: تو مانند من می توانی بمیری؟ عطار گفت: بله، درویش کاسه چوبی خود را زیر سر نهاد و با گفتن کلمه الله از دنیا برفت. عطار چون این را دید شدیداً متغیر شد و از دکان خارج شد و راه زندگی خود را برای همیشه تغییر داد."

او بعد از مشاهده حال درویش دست از کسب و کار کشید و به خدمت شیخ الشیوخ عارف رکن الدین اکاف رفت که در آن زمان عارف معروفی بود و به دست او توبه کرد و به ریاضت و مجاهدت با نفس مشغول شد و چند سال در خدمت این عارف بود. عطار سپس قسمتی از عمر خود را به رسم سالکان طریقت در سفر گذراند و از مکه تا ماوراءالنهر به مسافرت پرداخت و در این سفرها بسیاری از مشایخ و بزرگان زمان خود را زیارت کرد و در همین سفرها بود که به خدمت مجدالدین بغدادی رسید. گفته شده در هنگامی که شیخ به سن پیری رسیده بود بهاءالدین محمد پدر جلال الدین بلخی با پسر خود به عراق سفر می کرد که در مسیر خود به نیشابور رسید و توانست به زیارت شیخ عطار برود، شیخ نسخه ای از اسرار نامه خود را به جلال الدین که در آن زمان کودکی خردسال بود داد. عطار مردی پر کار و فعال بوده چه در آن زمان که به شغل عطاری و طبابت اشتغال داشته و چه در دوران پیری خود که به گوشه گیری از خلق زمانه پرداخته و به سرودن و نوشتن آثار منظوم و منثور خود مشغول بوده است. در مورد وفات او نیز گفته های مختلفی بیان شده و برخی از تاریخ نویسان سال وفات او را 627 هجری ق، دانسته اند و برخی دیگر سال وفات او را 632 و 616 دانسته اند ولی بنا بر تحقیقاتی که انجام گرفته بیشتر محققان سال وفات او را 627 هجری ق دانسته اند و در مورد چگونگی مرگ او نیز گفته شده که او در هنگام یورش مغولان به شهر نیشابور توسط یک سرباز مغول به شهادت رسیده که شیخ بهاءالدین در کتاب معروف خود کشکول این واقعه را چنین تعریف می کند که وقتی لشکر تاتار به نیشابور رسید اهالی نیشابور را قتل عام کردند و ضربت شمشیری توسط یکی از مغولان بر دوش شیخ خورد که شیخ با همان ضربت از دنیا رفت و نقل کرده اند که چون خون از زخمش جاری شد شیخ بزرگ دانست که مرگش نزدیک است. با خون خود بر دیوار این رباعی را نوشت:

در کوی تو رسم سرفرازی این است مستان تو را کمینه بازی این است

با این همه رتبه هیچ نتوانم گفت شاید که تو را بنده نوازی این است

مقبره شیخ عطار در نزدیکی شهر نیشابور قرار دارد و چون در عهد تیموریان مقبره او خراب شده بود به فرمان امیر علیشیر نوایی وزیر سلطان حسین بایقرا مرمت و تعمیر شد.

ویژگی سخن عطار :

عطار، یکی از شاعران بزرگ متصوفه و از مردان نام آور تاریخ ادبیات ایران است. سخن او ساده و گیراست. او برای بیان مقاصد عرفانی خود بهترین راه را که همان آوردن کلام ساده و بی پیرایه و خالی از هرگونه آرایش است انتخاب کرده است. او اگر چه در ظاهر کلام و سخن خود آن وسعت اطلاع و استحکام سخن استادانی همچون سنایی را ندارد ولی آن گفتار ساده که از سوختگی دلی هم چون او باعث شده که خواننده را مجذوب نماید و همچنین کمک گرفتن او از تمثیلات و بیان داستانها و حکایات مختلف یکی دیگر از جاذبه های آثار او می باشد و او سرمشق عرفای نامی بعد از خود همچون مولوی و جامی قرار گرفته و آن دو نیز به مدح و ثنای این مرشد بزرگ پرداخته اند چنانکه مولوی گفته است:

عطار روح بود و سنایی دو چشم او ما از پی سنایی و عطار آمدیم

معرفی آثار عطار :

آثار شیخ به دو دسته منظوم و منثور تقسیم می شود. آثار منظوم او عبارت است از: 1- دیوان اشعار که شامل غزلیات و قصاید و رباعیات است. 2- مثنویات او عبارت است از: الهی نامه، اسرار نامه، مصیبت نامه، وصلت نامه، بلبل نامه، بی سر نامه، منطق الطیر، جواهر الذات، حیدر نامه، مختار نامه، خسرو نامه، اشتر نامه و مظهر العجایب. از میان این مثنویهای عرفانی بهترین و شیواترین آنها که به نام تاج مثنویهای او به شمار می آید منطق الطیر است که موضوع آن بحث پرندگان از یک پرنده داستانی به نام سیمرغ است که منظور از پرندگان سالکان راه حق و مراد از سیمرغ وجود حق است که عطار در این منظومه با نیروی تخیل خود و به کار بردن رمزهایی عرفانی به زیباترین وجه سخن می گوید که این منظومه یکی از شاهکارهای زبان فارسی است و منظومه مظهر العجایب و لسان الغیب است که برخی از ادبا آنها را به عطار نسبت داده اند و برخی دیگر معتقدند که این دو کتاب منسوب به عطار نیست.

آثار منثور عطار:

یکی از معروفترین اثر منثور عطار تذکرة الاولیاست که در این کتاب عطار به معرفی 96 تن از اولیا و مشایخ و عرفای صوفیه پرداخته است.

گزیده ای از اشعار عطار نیشابوری

ای هجر تو وصل جاودانی اندوه تو عیش و شادمانی

در عشق تو نیم ذره حسرت خوشتر ز وصال جاودانی

بی یاد حضور تو زمانی کفرست حدیث زندگانی

صد جان و هزار دل نثارت آن لحظه که از درم برانی

کار دو جهان من برآید گر یک نفسم به خویش خوانی

با خواندن و راندم چه کار است؟ خواه این کن خواه آن، تو دانی

گر قهر کنی سزای آنم و لطف کنی سزای آنی

صد دل باید به هر زمانم تا تو ببری به دلستانی

گر بر فکني نقاب از روي جبريل شود به جان فشاني

کس نتواند جمال تو دید زیرا که ز دیده بس نهاني

نه، که به جز تو کس نبیند چون جمله تویی بدین عیانی

در عشق تو گر بمرد عطار شد زنده دایم از معانی

گم شدم در خود چنان کز خویش ناپیدا شدم شبنمی بودم ز دریا غرقه در دریا شدم

سایه ای بودم ز اول بر زمین افتاده خوار راست کان خورشید پیدا گشت ناپیدا شدم

ز آمدن بس بی نشان و ز شدن بی خبر گو بیا یک دم برآمد کامدم من یا شدم

نه، میپرس از من سخن زیرا که چون پروانه ای در فروغ شمع روی دوست ناپروا شدم

در ره عشقش قدم در نه، اگر با دانشی لاجرم در عشق هم نادان و هم دانا شدم

چون همه تن می بایست بود و کور گشت این عجایب بین که چون بینای نابینا شدم

خاک بر فرقم اگر یک ذره دارم آگهی تا کجاست آنجا که من سرگشته دل آنجا شدم

چون دل عطار بیرون دیدم از هر دو جهان من ز تأثیر دل او بیدل و شیدا شدم

استقرار پرتغالی ها در هرمز و آغاز فصل تازه ای در تاریخ خاورمیانه؛ دوران سلطه و استثمار

چهارم ماه مه 1515 پرتغالی ها در جزیره ایرانی هرمز مستقر شدند و فصل تازه ای در تاریخ منطقه باز شد که عنوان آن را «مداخله غرب در خاور میانه و استثمار این منطقه» قرار داده اند که مهد تمدن بشر بوده است - فصلي که هنوز بسته نشده است. پاپ الکساندر ششم طبق فرمان مورخ چهارم مه 1493 خود، جزایر شرق نصف النهار میانی اقیانوس اطلس را به پرتغالی ها و سرزمین های غرب این نصف النهار (قاره آمریکا) را به اسپانیایی ها بخشیده بود.

دریاسالار پرتغالی «آلفونسو دا آلبوکرک (آلبوکرکی)» پس از استقرار در هند، در سال 1507 وارد خلیج فارس شده و هرمز را مورد حمله قرار داده بود ولی تصرف هرمز و استقرار پرتغالی ها در این جزیره هشت سال بعد و با آوردن کشتی های نظامی و تفنگداران بیشتری صورت گرفت. کشتی های پرتغالی دارای توپ بودند و مدافعان ایرانی هرمز فاقد آن. در آن زمان، پیروزی استعمار

اروپا تنها بر اثر برتری اسلحه و قدرت آتش صورت می گرفت. به قول مفسران مشرق زمین (مفسران معاصر)، ... و به همین دلیل است که قدرتهای برتر و عمدتاً غرب نمی خواهد کشورهای بیشتری به اسلحه اتمی دست یابند تا برتری خود را بر آنها از دست ندهد!.

تصرف هرگز هشت ماه پس از جنگ چالدران روی داد (که جنگ چالدران، خود اندیشه مداخله دیپلماتیک اروپاییان در ایران و تشدید دشمنی ایران نسبت به عثمانی را تقویت کرده بود - نفاق مذهبی). رخنه اروپاییان به خلیج فارس، شاه اسماعیل صفوی (شاه وقت) را دچار اندوهی عمیق کرده بود، زیرا که ایران فاقد قدرت دریایی موثر بود تا از قلمرو خود دفاع کند و پرتغالی ها با استفاده از همین ضعف ایران (نداشتن توپ و کشتی توپدار)، ظرف شش سال (تا سال 1521 میلادی) بسیاری از جزایر ایرانی خلیج فارس از جمله بحرین را تصرف و به گمبرون (بندر عباس) دست اندازی کردند و دولت صفویه، تنها از طریق تحریک و تشویق مردم محل به شورش و حملات پراکنده در شب، به کار مبارزه با سلطه اروپاییان ادامه می داد. در آن زمان توپ های پرتغالی باروی قلعه های ایران را می شکافتند و از کمان قلعه بانان ایرانی در برابر آتش تفنگ نظامی پرتغالی کاری ساخته نبود. دولت صفویه بعداً با انگلیسی ها متحد شد و پرتغالی ها را از خلیج فارس بیرون راند و با این عمل، «بدتر» را جانشین «بد» کرد. مسائل آسیای غربی برخاسته از همین اشتباه صفویان بوده است زیرا که انگلیسی ها در منطقه ماندگار شدند و مورخان در این واقعه متفق القولند که برخی از مشکلات معاصر ایران ناشی از سیاست های صفویان است.

سالروز ورود جت به خطوط مسافری

سوم ماه مه سال 1952 یک جت مسافربر انگلیسی ساخت کارخانه «دهاویلاند» از لندن به یوهانسبورگ (آفریقای جنوبی) مسافر حمل کرد و با این پرواز فصل تازه ای در صنعت هواپیمایی باز شد. دهاویلاند در ژوئیه 1949 جت مسافربر ساخته بود که این هواپیما به صورت «جت لاینر» از سوم ماه مه 1952 کار خود را آغاز کرد. تاریخ ساخت هواپیمایی جت به دوران جنگ جهانی دوم باز می گردد که آلمانی ها آن را برای جنگیدن اختراع کردند. جت های اولیه تا ماه مه 1952 مصارف نظامی داشتند، نه بازرگانی. نخستین جت حمل و نقل توسط ویکرز (وی. سی - 1) در ششم آوریل سال 1948 ساخت شده بود که آن هم به ارتش تحویل داده شده بود.